

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

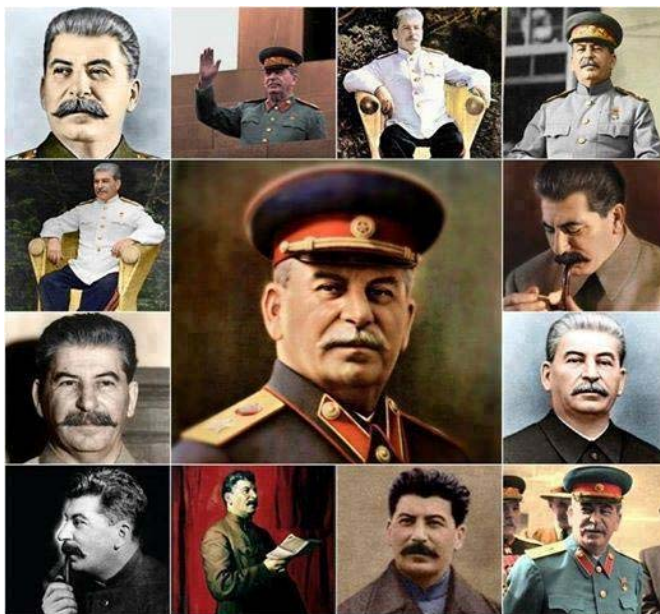
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: بلشویک فنلاندی - مارکسیست لنینیست تئوری
برگردان از: آمادور نویدی
۰۷ سپتمبر ۲۰۱۸

ستالین و افسانه «بلشویک‌های قدیمی»



مقدمه

اغلب از تروتسکیست‌ها، آنارشویست‌ها و مبلغان بورژوائی می‌شنویم که یوسف ستالین را متهم به قتل تمام یا حداقل اکثر به اصطلاح «بلشویک‌های قدیمی» می‌کنند و بدین وسیله قادر می‌شوند که به قول معروف معنای واقعی نهفته در بلشویسم/لنینیسم را تحریف نمایند. در اینجا نمی‌خواهم وارد این بحث شوم که هسته واقعی ایدئولوژی بلشویسم چیست و چه نیست، اما مایلم اتهامی را بررسی کنم که گفته می‌شود ستالین «بلشویک‌های قدیمی را کشت».

۱- این به اصطلاح «بلشویک‌های قدیمی» چه کسانی بودند؟

طبق گفته گروه‌های مذکور در بالا، یعنی به اصطلاح، چپ‌ها - کمونیست‌ها، تروتسکیست‌ها، آنارشویست‌ها و راست‌گرایان، واژه «بلشویک قدیمی» به افرادی مانند زینوویف، کامنف، بوخارین، رایکف و غیره اشاره دارد.

آنها ادعا می‌کنند که این افراد نماینده «بلشویسم واقعی» هستند و این‌که ستالین آنها را به قتل رساند که «بلشویسم تحریفی ستالینیستی» خود را جای‌گزین سازد.

اما چه چیزی این افراد را «بلشویک قدیمی» می‌سازد؟ مطمئناً برخی از آن‌ها مانند زینوویف از اعضای قدیمی حزب بلشویکی بودند، اما آیا این همه آن چیزی است که ما درباره اش صحبت می‌کنیم؟ آیا می‌توان زینوویف، کامنف و شرکاء را که اختلافات زیادی با لنین، بنیان‌گذار و رهبر بلشویسم داشتند، در همه حالت بلشویک واقعی خواند؟ ثانیاً، افراد زیادی بودند که همچنین از اعضای قدیمی حزب بلشویک بودند، اما همان شأن و مقام «بلشویک‌های قدیمی» را نمی‌گیرند.

بنابراین، ما تنها می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که راست‌گرایان، تروتسکیست‌ها و هم‌نوعان آن‌ها «بلشویک‌های قدیمی» را صرفاً برای افرادی محدود می‌کنند که توسط ستالین کشته شده‌اند. این تنها توصیف آن‌هاست.

۲- بلشویک‌های قدیمی واقعی

جالب است که به نظر نمی‌رسد منتقدان راست و «چپ» ستالین، گروهی را که در زیر می‌آید از افراد بلشویک‌های قدیمی به حساب بیاورند، علی‌رغم این واقعیت که آن‌ها آشکارا بلشویک بودند – یا حداقل وقتی که ادعا می‌کنند که «ستالین بلشویک‌های قدیمی را کشت»، آن‌ها را نادیده می‌گیرند.

توجه: فراکسیون بلشویکی حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه (بلشویک) در سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۰۳.

خود حزب کارگر سوسیال دمکرات روسیه در سال ۱۸۹۸ تأسیس شد.

ستالین (در سال ۱۸۹۹ به حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه پیوست. از اوایل ۱۹۰۳ بلشویک بود)

کالنین (در سال ۱۸۹۸ به حزب پیوست. حداقل از اوایل سال ۱۹۰۵ بلشویک بود)

وروشیلوف (در سال ۱۹۰۳ به حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه - بلشویک پیوست)

اورژونیکیزه (در سال ۱۹۰۳ به حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه - بلشویک پیوست)

سویردولف (در سال ۱۹۰۲ به حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه پیوست. از اوایل سال ۱۹۰۳ بلشویک بود)

مولوتف (در سال ۱۹۰۶ به حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه - بلشویک پیوست)

کاگانویچ (در سال ۱۹۱۱ به حزب کارگران سوسیال دمکرات روسیه - بلشویک پیوست)

این افراد نه تنها توسط ستالین به قتل نرسیدند، بلکه در واقع آن‌ها متحدان او بودند و من استدلال می‌کنم که بلشویک‌های بهتری از زینوویف و شرکاء بودند. به هر حال به دلایلی آن‌ها را به عنوان بلشویک‌های قدیمی به شمار نمی‌آورند.





Lenin, Voroshilov, Sverdlov, Stalin, Kalinin

۳- آیا زینوویف، کامنف و بوخارین واقعاً بلشویک‌های خوبی بودند؟

من فکر می‌کنم که می‌توان براحتی نشان داد که زینوویف، کامنف، بوخارین، تروتسکی و شرکاء منحصرأ بلشویک‌های خوبی نبودند و به همین دلیل نمی‌توان آن‌ها را «بلشویک‌های قدیمی» خواند (و این که ستالین آن‌ها را «به قتل رساند» تا بلشویسم را تحریف کند)، به نظر مشکوک می‌آید.

زینوویف و کامنف:

خود لنین خواست که زینوویف و کامنف به دلیل خیانت آن‌ها در آستانه انقلاب اکتوبر، کاملاً از حزب بلشویک اخراج شوند. زینوویف و کامنف مخالف انقلاب بودند و در یک روزنامه بورژوازی آن‌را مورد انتقاد قرار دادند، و بدین‌وسیله طرح بلشویک‌ها جهت سرنگونی دولت را برای دشمن طبقاتی فاش کردند.

«زمانی‌که متن کامل بیانیه کامنف و زینوویف در روزنامه غیرحزبی نووایا ژیزن از طریق تلیفون به من منتقل شد، باور نکردم... من دیگر هیچ یک از آن‌ها را رفیق در نظر نگرفتم و با تمام توانم، در هر دو، کمیته مرکزی و کنگره مبارزه خواهم کرد، تا اخراج هر دوی آن‌ها از حزب تضمین گردد... بگذار آقایان زینوویف و کامنف حزب خودشان را تأسیس کنند.» - لنین، «نامه به اعضای حزب بلشویک» (۱۸ اکتوبر ۱۹۱۷).

بوخارین:

بوخارین علی‌رغم این‌که به علت دیدگاه‌های خود در سیاست اقتصادی به عنوان یک راست‌گرا شناخته شده بود، اما بوخارینیست‌ها به عنوان یک جناح چپ- کمونیست در حزب به نظر می‌آمدند. در اصل این به خاطر ماجراجویی و مخالفت آن‌ها نسبت به پیمان صلح برست - لیتوفسک بود.

لنین اعمال بوخارین و «چپ» - کمونیست‌ها را در «جنگ یا صلح؟» بشدت رد کرد.

«... کسی‌که علیه صلح فوری، حتی اگر بسیار طاقت فرسا باشد، قدرت شوروی را به خطر می‌اندازد».

لنین همچنین در جبهه اقتصادی سال ۱۹۲۱ در اثر خود «یکبار دیگر درباره اتحادیه‌های کارگری: درباره اشتباهات بوخارین و تروتسکی» به بوخارین حمله کرد.

تروتسکی:

اشاره به تروتسکی در این زمینه شاید ضروری نباشد، اما به خاطر داشتن آگاهی کامل از موضوع، من این‌کار را می‌کنم. تروتسکی فقط در سال ۱۹۱۷ به حزب پیوست و در هر صورتی نمی‌توان او را یک بلشویک قدیمی به حساب آورد. تروتسکی در ابتداء یک منشویک (سال ۱۹۰۵-۱۹۰۳) بود، سپس عضو اولترا اپورتونیست بلوک آگست (۱۹۱۳-۱۹۰۷) بود که لنین مسخره اش می‌کرد، و مخالف زیمروالد چپ بود که لنین حمایت می‌کرد (۱۹۱۶-۱۹۱۴) و در نهایت یک نیمه - منشویک مژرایونتسی(۱) بود که در سال ۱۹۱۷ دیگر وجود نداشت. اختلاف تروتسکی با لنین آن‌قدر زیاد هستند که نمی‌توان همه آن‌ها را ذکر کرد.

تروتسکی دشمن دیرینه لنین بود تا جایی‌که لنین را واداشت از تروتسکی به عنوان یک «بیهودا»، «خوک»، «آدم پست»، «بوروکرات»، غلام بورژوازی لیبرال نام ببرد و تئوری انقلاب دائم او را هر دو، «چرند» و نیمه- منشویک بخواند. جهت ادعاها، ارائه منبع نقل‌های قول در پایان می‌آید، در غیراین‌صورت این بخش بیش از حد طولانی می‌شود.

لنین همچنین به تروتسکی برای برخورد نامعقولش- پریدن از شاخه‌ای به شاخه دیگر- تغییر موضع ناگهانی به معاهده صلح برست و سیاست اقتصادی مضحک و ضعف او در اداره اتحادیه‌های کارگری به همراه بوخارین پرخاش کرد.

۴. بلوک راست‌گرایان و تروتسکیست‌ها

در سال ۱۹۲۱ لنین در دهمین کنگره حزب کمونیست روسیه، جهت ممنوعیت فراکسیون گروهی در حزب بلشویک صحبت و استدلال کرد. این قانون پذیرفته شد و فراکسیون‌ها یا اخراج و یا تسلیم شدند. به هر حال پس از مرگ لنین، گروه‌های مختلف جناحی به طور ناگهانی رشد کردند. در سال ۱۹۲۷ تروتسکی، زینوویف و کامنف به جهت فراکسیون‌یسم و پس از سازماندهی نمایش ضد-حزبی از حزب اخراج شدند، اگرچه زینوویف و کامنف بعداً به ستالین پیوستند.

تروتسکی از اتحاد جماهیر شوروی تبعید شد، در حالی‌که زینوویف و کامنف به حاشیه رانده شدند. بوخارینیست‌ها نیز مناظره علیه ستالین و اکثریت را باختند. تا سال ۱۹۳۲ تروتسکی، زینوویف، کامنف و بوخارین تمام قدرت سیاسی قانونی خود را از دست دادند. تروتسکی یک گروه ضد- شوروی توطئه‌گر مخفی ایجاد کرد که زینوویف، کامنف و بعداً بوخارینیست‌های مختلف به آن پیوستند. این گروه در رسانه‌های شوروی به عنوان «بلوک راست‌گرایان و تروتسکیست‌ها» معروف شد.

اینست آن دلیل واقعی که چرا این افراد بعدها دستگیر و اعدام شدند. آن‌ها خواهان بی ثبات سازی علیه حکومت شوروی بودند که پیش از آن نگران حمله های فاشیستی خارجی بود. این عناصر همه توطئه های ضد- شوروی خود را انکار کرده بود، اما کشف نامه های مختلف از تروتسکی و شرکایش این را بدون شک و تردید ثابت کرده است.

«... پیش‌نهاد برای یک بلوک به نظرم کاملاً قابل قبول است.» - تروتسکی به سدوف

«بلوک سازمان‌دهی شده است، آن شامل زینوویف‌ها، گروه استن- لومینادزه و تروتسکیست‌هاست...» - سدوف به تروتسکی

«کسی به طور گمنام و با توطئه با سرکوب می‌جنگد...» - تروتسکی به سدوف

«تا آنجائی‌که به تشکیلات غیرقانونی بلشویک - لنینیست‌ها در اتحاد جماهیر شوروی برمی‌گردد، تنها اولین گام‌ها جهت سازمان‌دهی مجدد آن برداشته شده است.» - تروتسکی (۱۶ دسامبر ۱۹۳۲)

منبع:

کتابخانه کالج/دانشکده هاروارد ۱۳۹۰۵، ۱۰۱۰، ۴۷۸۲ ذکر شده در پی برروت «بلوک» اپوزیسیون علیه ستالین. این که شما اقدامات تروتسکی و شرکاء را قبول بکنید یا نه باید توجیه شود که این عادلانه نیست ادعا شود که آن‌ها به اصطلاح به علت بلشویک بودنشان، برایشان پاپوش درست کرده بودند یا ظالمانه کشته شدند. آن‌ها علیه حکومت شوروی جنگیدند و شکست خوردند.

۵. نتیجه گیری: آیا ممکن است که از روی خواش، بلشویک‌های قدیمی واقعی سرپا بایستند؟

درواقع ستالین بلشویک‌های قدیمی را به قتل نرساند، بلکه او ضد-شوروی های مرتدی را کشت که در بهترین حالت اعتبار بلشویکی آنها زیر سؤال بود. بلشویک‌های قدیمی واقعی افرادی مانند کالینین و وروشیلوف، کسانی بودند که از ابتداء لنین را در دشواری و سهولت حمایت کردند، نه فرصت‌طلبانی مانند زینوویف که از شاخه ای به شاخه دیگر می پرید و هر زمان که موقعیت باصرفه بود از پشت به لنین جنج می‌زد.

نقل های قول لنین درباره تروتسکی:

«...تروتسکی (این آدم پست... این کلاه‌بردار... برای حزب چاپلوسی می‌کند، اما از هر فراکسیون دیگری بدتر رفتار می‌کند.» - لنین مجموعه آثار ۳۴، ص. ۴۰۰ (۱۹۰۹)

«در جلسه پلنوم تروتسکی یهودا نمایش بزرگی ساخت از مبارزه جهت انحلال‌طلبی...» - لنین «تروتسکی یهودای شرمنده» (۱۹۱۱)

تروتسکی... «تنوری انقلاب مداوم» چپ چرند خود را جار می‌زند. - لنین، «تخریب وحدت تحت لوای فریاد برای وحدت» (۱۹۱۴)

«تروتسکی ... از منشویک‌ها ... تنوری قرض گرفته است...» - لنین، «درباره دو خط در انقلاب» (۱۹۱۵)

«بلشویک‌ها آگاهانه به پرولتاریا کمک کردند که از خط اول پیروی کنند... بورژوازی لیبرال از خط دوم پیروی کرد... تروتسکی در واقع به سیاست‌مداران لیبرال - لیبور در روسیه کمک کرد...» - لنین، همانجا.

«این تروتسکی چه خوکی است - به کار بردن اصطلاحات چپ و بلوکی با راست‌گرایان...» - لنین، «نامه به الکساندارا کولونتای» (۱۹۱۷)

«این تروتسکی است که در "آشفته فکری ایدئولوژیک" است... شما در اینجا نمونه ای از رویکرد بوروکراتیک واقعی دارید: «تزه‌های تروتسکی از نظر سیاسی ضرر می‌رسانند»... - لنین، «اتحادیه های کارگری، موقعیت فعلی و اشتباهات تروتسکی» (۱۹۲۰)

«تروتسکی ضرورتاً در تمام نقطه نظرات جدید خود اشتباه می‌کند... تروتسکی و بوخارین یک آش شله قلمکار از اشتباهات سیاسی تولید کرده اند.» - لنین، «یکبار دیگر درباره اتحادیه های کارگری: موقعیت فعلی و اشتباهات تروتسکی و بوخارین» (۱۹۲۱)

منبع:

Mezhraiontsy

<https://www.revolvy.com/page/Mezhraiontsy>

برگردانده شده از:

Stalin & the myth of the "Old Bolsheviks"

THEFINNISHBOLSHEVIK / 20 DEC 2016

<https://mltheory.wordpress.com/2016/12/20/stalin-the-myth-of-the-old-bolsheviks/>